

پیش‌ها و پانچ‌ها

پایگاه اطلاع رسانی دفتر منصوبه‌ها شیخ خیر الانبیا حفظه الله تعالی

موضوع:

۱. احکام؛ مشاغل و مکاسب حرام
۲. مقدمات؛ حجت؛ کتاب خداوند؛ حجت، اعجاز و جایگاه قرآن

بسم الله الرحمن الرحيم

پرسش

نویسنده: هادی

با سلام خدمت رهبر عزیزم حضرت علامه منصور هاشمی خراسانی حفظه الله تعالی و تشکر از شما اساتید گران قدر بابت وقتی که صرف پاسخگویی به سؤالات زیر می فرمایید:

۱. حکم از بین بردن برگه های کاغذ، نامه و غیره که حاوی اسم خداوند هستند، چیست؟ چگونه باید آن ها را دور ریخت؟
۲. حکم آتش زدن و پاره کردن پرچم ها، بنرها، نگاره ها و هر چیزی که در آن تلفیقی از شعارهای طواغیت یا تصاویرشان با اسم خداوند یا آیهی قرآن وجود دارد، چیست؟

پاسخ

تاریخ: ۱۴۰۳/۱۱/۱۵

لطفاً به نکات زیر توجه فرمایید:

۱. شکی نیست که احترام به آیات و اسماء خداوند، واجب است. بنابراین، باید از هر کاری که بی احترامی به آن ها محسوب می شود، اجتناب کرد و اگر بر روی کاغذی نوشته شده اند که نگاه داشتن آن عسر و حرج دارد، باید آن را به محترمانه ترین شیوهی ممکن از بین برد و محترمانه ترین شیوهی ممکن برای از بین بردن آن، شستن آن است؛ چنانکه در روایتی از اهل بیت آمده است: «اغسلها»؛ «آن را بشوی» و در روایتی از عبد الله بن مسعود آمده است: «إِنَّ رَجُلًا جَاءَهُ بِكِتَابٍ، فَنَظَرَ فِيهِ، ثُمَّ قَالَ: إِنَّمَا هَٰذَا مِنْ كَانَ قَبْلَكُمْ بِاتِّبَاعِهِمُ الْكُتُبَ وَتَرْكِهِمْ كِتَابَهُمْ، ثُمَّ دَعَا بِطَسْتٍ فِيهِ مَاءٌ، فَمَاتَهُ فِيهِ»؛ «مردی برای او کتابی آورد، پس او به آن نگاه کرد و گفت: کسانی که پیش از شما بودند، با پیروی از کتاب های مختلف و ترک کتاب خداوند هلاک شدند. سپس تشت آبی طلبید و آن را در آن حل کرد»؛ هر چند در روایتی دیگر آمده است: «قَالَ حُدَيْفَةُ: أَهْلُ الْبَصْرَةِ يَقْرَءُونَ قِرَاءَةَ أَبِي مُوسَى، وَأَهْلُ الْكُوفَةِ يَقْرَءُونَ قِرَاءَةَ عَبْدِ اللَّهِ،

۱. الکافی للکلینی، ج ۲، ص ۶۷۴

۲. بنگرید به: مصنف ابن ابی شیبہ، ج ۵، ص ۳۰۱؛ مسند الدارمی، ج ۱، ص ۴۲۴؛ الدلائل فی غریب الحدیث للسرقسطی، ج ۲، ص ۶۱۲؛ جامع بیان العلم وفضله لابن عبد البر، ج ۱، ص ۲۸۳؛ تنقیذ العلم للخطیب البغدادی، ص ۵۳.

أَمَّا وَاللَّهِ أَنْ لَوْ قَدْ أَتَيْتُ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ لَقَدْ أَمَرْتُهُ بِغَرَقِ هَذِهِ الْمَصَاحِفِ، فَقَالَ عَبْدُ اللَّهِ: إِذَا تَغَرَّقُ فِي غَيْرِ مَاءٍ^۱؛ «حذیفه گفت: اهل بصره طبق قرائت ابو موسی قرائت می کنند و اهل کوفه طبق قرائت عبد الله بن مسعود! به خدا سوگند اگر به نزد امیر المؤمنین (یعنی عثمان) بروم، از او می خواهم که این مصحف ها را (در آب) غرق کند، پس عبد الله گفت: آن گاه در غیر آب غرق خواهی شد»، ولی این به معنای مخالفت عبد الله با از بین بردن مصحف ها از طریق شستن آنها نیست، بلکه او با اصل از بین بردن مصحف ها مخالف بود و می پنداشت که اگر بنا بر وحدت قرائت ها باشد، قرائت او از قرائت دیگران سزاوارتر است. بنابراین، در جواز شستن کاغذی که حاوی آیات و اسماء خداوند است، اختلافی نیست و همچنین است در جواز دفن کردن آن؛ چراکه روایت شده است: «دَفَنَ عُثْمَانُ الْمَصَاحِفَ بَيْنَ الْقَبْرِ وَالْمَنْبَرِ»^۲؛ «عثمان مصحف ها را بین قبر و منبر (پیامبر) دفن کرد» و مخالفتی با او در این کار روایت نشده است؛ بر خلاف سوزاندن که او آن را جایز می دانست و از این رو، مصحف ها را گرد آورد و آتش زد، تا جلوی اختلاف قرائت ها را بگیرد، ولی بسیاری با او مخالف بودند، تا جایی که او را به خاطر این کار، «حَرَّاقُ الْمَصَاحِفِ»؛ «سوزانده ی مصحف ها» لقب دادند^۳ و در روایتی از حذیفه آمده است که پیش از این کار می گفت: «أَرَأَيْتَكُمْ لَوْ حَدَّثْتُكُمْ أَنْكُمْ تَأْخُذُونَ مَصَاحِفَكُمْ فَتَحْرِقُونَهَا صَدَقْتُمُونِي؟»^۴؛ «آیا اگر بگویم که شما مصحف های خود را خواهید گرفت و خواهید سوزاند، باورتان می شود؟!» پس مردم پاسخ می دادند: «سُبْحَانَ اللَّهِ، وَيَكُونُ هَذَا؟!»؛ «سبحان الله، مگر این ممکن است؟!»^۵ و بر خلاف پاره کردن و ریز ریز کردن که به نظر می رسد عثمان آن را نیز جایز می دانست، ولی برخی با او مخالف بودند؛ چنانکه از عبد الملك بن ابی ذر روایت شده است: «لَقِينِي عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَوْمَ مَرَّقَ عُثْمَانُ الْمَصَاحِفَ، فَقَالَ: ادْعُ لِي أَبَاكَ، فَجَاءَ إِلَيْهِ مُسْرِعًا، فَقَالَ: يَا أَبَا ذَرٍّ، أَتَى الْيَوْمَ فِي الْإِسْلَامِ أَمْرٌ عَظِيمٌ، مَرَّقَ كِتَابُ اللَّهِ وَوُضِعَ فِيهِ الْحَدِيدُ، وَحَقٌّ عَلَى اللَّهِ أَنْ يُسَلِّطَ الْحَدِيدَ عَلَى مَنْ مَرَّقَ كِتَابَ اللَّهِ بِالْحَدِيدِ»^۵؛ «علی علیه السلام در روزی که عثمان مصحف ها را پاره کرد من را دید و فرمود: به پدرت بگو نزد من بیاید، پس با شتاب به نزد او رفت، پس فرمود: ای ابو ذر، امروز رخداد عظیمی در اسلام رخ داد، کتاب خداوند پاره شد و بر آن تیغ نهاده شد و بر خداوند حق است که تیغ را مسلط کند بر هر کسی که کتاب خداوند را با تیغ پاره کرد».

از اینجا دانسته می شود که در صورت امکان باید به شستن یا دفن کردن کاغذهایی که حاوی آیات و اسماء خداوند هستند بسنده کرد و دفن کردن آنها باید در جای پاک باشد که زیر پا قرار نمی گیرد و قرار دادن آنها در حفره یا شکافی در طبیعت و مسدود کردن آن بهتر است؛

۱. المصاحف لابن أبي داود، ص ۷۱

۲. المصاحف لابن أبي داود، ص ۱۳۲

۳. بنگرید به: تاریخ المدینة لابن شبة، ج ۳، ص ۹۹۵؛ مشیخة یعقوب بن سفیان الفسوی، ص ۱۲۲؛ الانتصار للقرآن للباقلانی، ج ۲، ص ۴۸۸.

۴. بنگرید به: مصنف ابن أبي شعبة، ج ۷، ص ۴۷۹؛ المصاحف لابن أبي داود، ص ۷۹.

۵. أصل عاصم بن حمید الحنات من الأصول الستة عشر، ص ۳۶؛ رجال الکشي، ج ۱، ص ۱۰۸.

چراکه با این شیوه، نیازی به ریختن خاک بر روی آن‌ها نیست؛ چنانکه یکی از یارانمان ما را خبر داد، گفت:

«سَأَلْتُ الْمَنْصُورَ عَنِ الْقَرَّاطِيسِ فِيهَا أَسْمَاءُ اللَّهِ، هَلْ تُحَرَّقُ وَتُحَرَّقُ؟ فَقَالَ: أَكْرَهُ ذَلِكَ، قُلْتُ: فَمَا أَفْعَلُ بِهَا؟ قَالَ: اغْسِلْهَا حَتَّى تَنْمَجِيَ أَوْ تُصِيرَ عَجِينًا، قُلْتُ: ذَلِكَ يَشُقُّ عَلَيَّ، أَفَلَا أَذْفَنُهَا؟ قَالَ: أَرْجُو أَنْ لَا يَكُونَ بِهِ بَأْسٌ إِذَا كَانَ فِي مَعْزِلِ نَقِيٍّ، ثُمَّ قَالَ: هَلْ أَذْلُكَ عَلَى خَيْرٍ مِنْ ذَلِكَ؟ أَخْرَجَ بِهَا إِلَى الْجَبَلِ، وَاجْعَلْهَا فِي فَجْوَةٍ، وَسَدَّ عَلَيْهَا»؛ (از منصور درباره‌ی کاغذهایی پرسیدم که در آن‌ها نام‌های خداوند است، آیا پاره و سوزانده می‌شوند؟ فرمود: این را نمی‌پسندم، گفتم: پس با آن‌ها چه کار کنم؟ فرمود: آن‌ها را بشوی تا سفید یا خمیر شوند، گفتم: این کار برایم دشوار است، آیا آن‌ها را دفن نکنم؟ فرمود: امیدوارم که اشکالی نداشته باشد اگر در کناری پاکیزه باشد، سپس فرمود: آیا تو را به کاری بهتر دالت بکنم؟ آن‌ها را به کوه ببر و در شکافی قرار بده و آن را مسدود کن).

۲. پاره کردن، آتش زدن و لگدمال کردن پرچم‌ها و نمادهای طواغیت که حاوی آیات و اسماء خداوند هستند، جایز نیست. بنابراین، کسی که قصد این کار را دارد، باید نخست آیات و اسماء خداوند را از آن‌ها جدا کند؛ چنانکه روایت شده است: «كَتَبَتْ قُرَيْشٌ بَيْنَهُمْ وَبَيْنَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ كِتَابًا وَخَتَمُوا عَلَيْهِ ثَلَاثَةَ خَوَاتِيمٍ، فَأَرْسَلَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ عَلَى الصَّحِيفَةِ دَابَّةً، فَأَكَلَتْ كُلَّ شَيْءٍ إِلَّا اسْمَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ»؛ «قریش عهدنامه‌ای برای حصر رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم نوشتند و بر آن سه مهر نهادند، پس خداوند موربانه را بر عهدنامه‌ی‌شان فرستاد، پس هر چه در آن بود را خورد، مگر نام خداوند» و روایت شده است: «أُطْلِعَ اللَّهُ رَسُولَهُ عَلَى أَمْرِ صَحِيفَتِهِمْ وَأَنَّ الْأَرْضَ قَدْ أَكَلَتْ مَا كَانَ فِيهَا مِنْ جَوْرٍ وَظُلْمٍ، وَبَقِيَ مَا كَانَ فِيهَا مِنْ ذِكْرِ اللَّهِ»؛ «خداوند پیامبرش را از سرنوشت عهدنامه‌ی‌شان آگاه کرد که موربانه هر چه از ظلم و جور که در آن بود را خورده و هر چه از یاد خداوند که در آن بود را باقی گذاشته است»^۱.



پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر منشورهای شیعی خراسانی
کتابخانه خراسانی



۱. برای این روایات، بنگرید به: سیره ابن هشام، ج ۲، ص ۱۸؛ الطبقات الكبرى لابن سعد، ج ۱، ص ۱۷۸؛ أنساب الأشراف للبلاذري، ج ۱، ص ۲۷۰؛ الاشتقاق لابن دريد، ص ۱۱۳؛ دلائل النبوة لأبي نعيم الأصبهاني، ص ۲۷۲.